



نوجوانان محله حجاب با تعمیر کولر همسایه ها، در مسیر خدمت جهادی گام برمی دارند

سایبانان کوچک در روزهای گرم محله

۶



عکس: فهیمه فرخی/شهرآرا

حاج محمد جعفری خانچه، پیرغلام امام حسین (ع)
 سال ها با تسلط به متون و اشعار، نوحه خوانی کرده است

میراث دار آداب نوحه خوانی

۵۴



۲ تجمع حشرات و جانوران در اطراف آب راکد
 باعث گلایه اهالی انتهای بولوار لادن شده است
 در همسایگی استخر آلوده

۷ فعالان فرهنگی مسجد حضرت زهرا (س) در کنار سوگواری محرم
 و صفر، کارگاه آموزش ارتباط با نوجوان را دایر کرده اند
 شور یادگیری در دل عزاداری



تجمع حشرات و جانوران در اطراف آب راکد
باعث گلایه اهالی انتهای بولوار لادن شده است

در همسایگی استخر آلوده

● صرف نظر کردن از ویو ابدی

با اینکه ساخت بوستان محلی در انتهای بولوار لادن برای اهالی بسیار جذاب بود و مدام به خاطر این موضوع از شهردار منطقه تشکر می‌کنند، استخر نامرتب و کثیفی که سلامت اهالی را به خطر انداخته، کاملاً آن‌ها را تلخ کرده است. به گفته اهالی، استخری که قرار بود مایه حیات درختان و زیبایی و سرسبزی بوستان‌های محلی باشد، حالا به واسطه راکد ماندن آب و انباشت آلودگی‌ها، به چالشی بهداشتی تبدیل و باعث نگرانی آن‌ها شده است.

مهدی موسوی، از ساکنان قدیمی این محدوده، با اشاره به مشکلات ناشی از این وضعیت می‌گوید: پشه سالک در این محله به ویژه در فصل گرما بسیار زیاد است. از طرفی این استخر هم برای ما قوز بالا قوز شده و متأسفانه به قدری داخل آن کثیف است و جلبک بسته که عملاً به مرکز تکثیر پشه سالک در محله بدل شده است. مسئولان باید توجه کنند که این استخر نیاز به لای روبی مداوم دارد. لازم است هرازگاهی آب آن کاملاً تخلیه و بدنه استخر شست و شو شود؛ در غیر این صورت، این معضل بهداشتی به راحتی دست از سر ساکنان بر نمی‌دارد.

به گفته موسوی، علاوه بر پشه سالک، کثیفی استخر، بوی بسیار نامطبوعی هم دارد. او ادامه می‌دهد: از قاسم آباد به این محله مهاجرت کردم که پنجره‌های خانه رو به سمت کوه پارک باشد، به قول دوستان املاک «ویو ابدی» داشته باشیم! اما از بوی بد و ترس پشه جرئت ندارم درو پنجره را باز کنم.

● شیرجه قورباغه‌ها در آب استخر

در کنار دغدغه‌های بهداشتی ناشی از آب راکد و آلودگی‌های انباشته شده در استخر انتهای بولوار لادن، برخی ساکنان محله از پیامدهای دیگری

نیز می‌گویند. مواردی مانند حضور قورباغه‌ها در استخر و اطراف آن که به گفته اهالی، بر نگرانی‌های موجود افزوده و آرامش روزمره ساکنان را تحت تأثیر قرار داده است.

مینا نجفی، یکی از ساکنان محدوده، در این باره می‌گوید: چند روز پیش دیدم که چند قورباغه داخل استخر شیرجه می‌زنند و دوباره از آن بیرون می‌آیند. بچه‌های کوچک از آن‌ها می‌ترسند و به همین دلیل در کوچه بازی نمی‌کنند.

نجفی ادامه می‌دهد: بخشی از آب استخر برای ساخت بوستان محلی مجاور منزل ما استفاده می‌شود. ما اهالی از ساخت این فضای سبز خیلی خوشحال هستیم، چون قبلاً برای بازی بچه‌ها باید کلی راه می‌رفتیم تا به تاب و سرسره برسیم. اما در کنار این موضوع نظافت مداوم استخر باید انجام شود.

● نظافت استخر در اسرع وقت

موضوع نظافت استخر انتهای بولوار لادن یکی از مشکلاتی بود که در نشست تیرماه شهردار منطقه ۹ در سامانه ۱۳۷ مطرح شد؛ جایی که حداقل سه تن از شهروندان دغدغه‌های خود را در این زمینه به طور مستقیم با حجت‌فرقانی در میان گذاشتند.

او در این باره توضیح می‌دهد: این استخر کاربردی چند منظوره دارد؛ آب مورد نیاز برای آبیاری درختان کوه پارک، ساخت بوستان محلی و همچنین احداث پایانه اتوبوس‌رانی لادن از همین محل تأمین می‌شود. زیرا استقرار آن در فاصله چند متری این پروژه‌ها، عملیات آبرسانی به فضای سبز و طرح‌های عمرانی را تسهیل کرده است.

وی با بیان اینکه حق کاملاً با اهالی است، افزود: این استخر باید در فواصل زمانی کوتاه، نظافت شود؛ در اسرع وقت این کار توسط همکاران اداره خدمات شهری منطقه انجام خواهد شد.



۹



۹

بولوار پیروزی در مسیر زیباسازی

عملیات پروژه اصلاح الگوی کاشت در آیلند میانی بولوار پیروزی (حدفاصل میدان حر تا دلاوران) آغاز شده است. به گفته شهردار منطقه ۹ پس از حذف گونه‌های آب‌بر، تمرکز این مجموعه بر اجرای فاز دوم پروژه است که تعریض جان پناه موجود، تفکیک اصولی باغچه‌ها از باندیه و در نهایت زیباسازی تخصصی این مسیر پرتردد را شامل می‌شود.

تابستان گل‌باران در منطقه ۹

به منظور تلطیف فضای شهری و ایجاد چشم‌اندازهای زیبا، ۲۵۰ هزار بوته گل فصلی تابستانه کاشته شد. رعنا زیبا، اختر، دکمه‌ای، جعفری، عسلی و گازانیا از جمله گل‌های کاشته شده در میادین، معابر اصلی و بوستان‌های منطقه ۹ هستند.

دربولوار نماز ایمن برانید

اجرای طرح آرام‌سازی ترافیک در بولوار نماز در دستور کار معاونت حمل و نقل و ترافیک منطقه قرار گرفت. در این راستا، علاوه بر تکمیل عملیات نصب و رنگ‌آمیزی هفت ردیف سرعت‌کاه بارعایت استاندارد های فنی و هندسی، عملیات خط‌کشی و رنگ‌آمیزی ترافیکی به منظور افزایش دید رانندگان در ساعات شبانه و کاهش خطاهای احتمالی انجام شد.



خبر شهردار منطقه ۹ درباره تأمین منابع آبی پایدار

قنات «زیست پارک» جان دوباره گرفت

شهردار منطقه ۹ مشهد از ترمیم ولای روبی قنات زیست پارک با پیشرفت فیزیکی نود درصدی خبر داد. حجت‌فرقانی افزود: این پروژه که با هدف تأمین پایدار آب فضای سبز آغاز شده بود، با پیشرفت فیزیکی نود درصدی اکنون ثمرات خود را نشان داده است.

وی ادامه داد: با اجرای عملیات تخصصی نوکنی و کول‌گذاری به طول چهل متر و حفر یک میل چاه جدید، شاهد افزایش چشمگیر دبی آب هستیم، به طوری که هم‌اکنون بخشی از آبیاری کوه پارک از این طریق تأمین و انجام می‌شود.

شهردار منطقه ۹ تصریح کرد: علاوه بر احیای قنات، انتقال سرریز آب به دریاچه قنات صابر در دستور کار قرار گرفته است.

به گفته فرقانی، در حال حاضر، عملیات خاک برداری برای افزایش وسعت و ظرفیت این دریاچه در حال انجام است و با تکمیل آن، شاهد ایجاد مخزنی با ظرفیت ۱۰ هزار متر مکعب آب خواهیم بود که نقشی کلیدی در مدیریت بحران و تأمین آب پایدار ایفا خواهد کرد.

وی همچنین به ایجاد استخر مصنوعی و آبگیر در کنار قنات کوه پارک اشاره کرد و افزود: این اقدامات در کنار هم، منظومه‌ای از منابع آبی پایدار را برای منطقه فراهم کرده است.

همسایه به همسایه، دیدار سی و سوم، کوچه حجاب ۷۱،۵

امنیت پارک با من

رضاریاحی در روزگاری که دیوارها بلندتر شده اند و آپارتمان هادر همه جای شهر قد کشیده اند، هستند کوچه هایی که در آن، همسایه داری همچنان یک رسم زنده است. جاهایی که سلام های اهالی از سر عادت نیست و مردم در غم و شادی هم شریک هستند. معبر حجاب ۷۱،۵ یکی از همان کوچه هاست که مهربانی در آن جریان دارد. اهالی گل و گیاه کوچه را آبیاری می کنند و در برگزاری مراسم مذهبی و جشن و اعیاد همراه هستند.

در این کوچه از هر کسی پیرسی نقطه اتصال این همراهی کجاست. یک نام بیشتر از همه تکرار می شود: حسین سرایی نوغانی. در هر کار خیری که فکر کنید، شرکت داشته است؛ از پیگیری برای ساخت پارک و زمین بازی کودکان تا کمک گرفتن از خیران برای ساخت مسجد.

● با حسین آقا محله گلستان می شود

اگر بگویم حسین سرایی نوغانی آچارفرانسه این کوچه و محله حجاب است، بیراهه نگفته ایم؛ هرکاری از دستش برآید، برای همسایه ها انجام می دهد.

یکی از اهالی در باره حاج حسین آقا می گوید: رویه روی خانه ما پارکینگ ماشین آلات سنگین بود، از کثیف کاری آن ها آرامش نداشتیم، حسین آقا آن قدر به شهرداری رفت و آمد که قرار شد در این زمین رها شده، مجموعه ورزشی روباز برای کودکان بسازند. این زمین ورزشی اکنون پاتوق ورزشکاران محله است.

یکی دیگر از اهالی بیان می کند: اگر هر محله ای یک حسین سرایی نوغانی داشت، شهر ما گلستان می شد. خیران را جمع کرد تا مسجد حمزه سید الشهدا^(ع) ساخته شود. آن قدر پیگیری کرد تا پارکینگ های بدون استفاده مجتمع های مسکونی را تبدیل به بوستان محلی کردند. در ساخت نمازخانه بوستان غنچه نقش پررنگی داشت و هزارویک کار دیگر انجام داد.



همسایه به همسایه



● مهربانی جواد آقا با درختان

حسین سرایی نوغانی از جواد صبری به عنوان همسایه کارراه انداز کوچه حجاب ۷۱،۵ نام می برد و می گوید: از اخلاق خویش که بگذریم، هرکاری از دستش بریاید، برای اهالی دریغ نمی کند. حسین آقا ادامه می دهد: با وجود جواد آقا هیچ ارادل و او باشی پایش را در پارک محله ما نمی گذارد. او مدام در پارک می چرخد و نمی گذارد کسی مزاحمتی برای اهالی درست کند. او همچنین در آبیاری فضای سبز محله هم فعال است. زمستان که می شود، در جوی ها، آب بند درست می کند و از آب باران برای آبیاری فضای سبز بهره می گیرد. در تابستان هم یک شلنگ بزرگ دارد که آن را به شیر آب خانه خودش وصل می کند و درختان پارک را سیراب می کند. خلاصه او نمی گذارد فضای سبز این کوچه به خاطر کم آبی، آسیب ببیند.

جواد آقا می گوید: زن و بچه اهالی این کوچه مانند خانواده خودم هستند؛ نمی توانم ببینم کسی برای آن ها مزاحمتی ایجاد کند. به همه همسایه ها هم گفته ام که «امنیت پارک با من».

● اهالی به من «نه» نمی گویند

جواد آقا از چندین همسایه خوب نام می برد که می توانند در ستون همسایه به همسایه ما باشند.

امادرمیان آن ها، محمد گل، بیشتر بین اهالی شناخت. جواد آقا می گوید: نام فامیل محمد آقا به منش و اخلاقش می خورد، این آقا واقعا گل است، گل.

حاج محمد بیشتر وقت ها شهرستان است، اما هر وقت که مشهد باشد، هوای همسایه هایش را دارد و با هشتاد سال سن هرکاری از دستش بریاید، انجام می دهد.

حاج محمد گل می گوید: مجتمع ما مانند یک خانه است و همسایه های آن، اهل خانه. کنار هم در اعیاد، مهمانی می گیریم و در دهه

اول ماه محرم هم، در فضای روباز مجتمع تأمین اجتماعی عزاداری می کنیم. اینجا همسایه داری واقعارنگ و بوی قدیم را دارد.

حاج محمد در جمع و جور کردن هزینه مراسم گوناگون نقش مهمی دارد و برخی اوقات هم در خانه اش دوره قرآن برگزار می کند.

اومی گوید: از آنجاکه سن و سالم بیشتر است، اهالی روی من را در جمع کردن کمک هزینه مراسم های مذهبی زمین نمی اندازند و «نه» نمی گویند.



«ترنم زندگی» برای ۱۱۰۰ بانو

۱۱۰۰ بانوی شهروند منطقه ۱۰ در طرح «ترنم زندگی» از خدمات مشاوره تخصصی گروهی بهره مند شدند.

در این طرح، کارگاه های مشاوره گروهی با سه سرفصل تاب آوری در زندگی زوجین، فرزند پروری کودک و نوجوان و مدیریت هیجانات، آموزش داده شد. هر سرفصل آموزشی با ظرفیت ۲۵ نفر در ۱۰ مسجد برپا شد. برگزاری ۶۲ همایش با شرکت ۳ هزار مخاطب، توزیع پوسترهایی با موضوعات جوانی جمعیت و تحکیم و تعالی خانواده در اجتماعات پر شور مردمی، تور سلامت، توزیع بلیت استخر و سینما، برگزاری تور گلاب گیری و... بخشی از خدمات حوزه اجتماعی و مشارکت های معاونت فرهنگی و اجتماعی منطقه ۱۰ بوده است.



شهر خبر



رفع آلودگی از چهره خیابان مشکینی

اداره خدمات شهری شهرداری منطقه ۱۰ مشهد برای پاک سازی و نخله برداری زمین های بایر واقع در خیابان مشکینی اقدام کرد.

در این عملیات، انواع نخله های ساختمانی، پسماندها و علف های هرز جمع آوری و محدوده مورد نظر به منظور جلوگیری از آلودگی های محیطی، افزایش ایمنی و بهبود منظر شهری پاک سازی شد. شهرداری منطقه ۱۰ با تدوین اقدامات و نظارت مستمر بر اراضی بایر، بر حفظ پاکیزگی محلات و ارتقای کیفیت محیط شهری تأکید دارد و از شهروندان نیز درخواست می کند با رعایت اصول مدیریت پسماند و گزارش تخلفات، در حفظ زیبایی و پاکیزگی شهر مشارکت کنند.

شهردار منطقه ۱۰ از کاشت بیش از ۲۹۳ هزار و ۵۵۰ بوته گل فصلی در این منطقه طی چهار ماه گذشته خبر داد. وحید برجسته نژاد با بیان این مطلب افزود: به منظور ارتقای کیفیت بصری و افزایش طراوت و شادابی فضای شهری، اقدامات متعددی در حوزه فضای سبز منطقه در حال اجراست. وی با اشاره به اجرای عملیات کاشت گل های فصلی افزود: طی چهار ماه گذشته، بیش از ۲۹۳ هزار و ۵۵۰ بوته گل فصلی شامل ابری، جعفری، اطلسی، اوانترا، رعنا و سایر گونه های مناسب، در سطحی بالغ بر ۹ هزار و ۵۷۰ مترمربع از معابر، میادین و فضاهای سبز منطقه کاشته شده است.

شهردار منطقه ۱۰ همچنین از تکمیل کاشت گونه های گیاهی شامل درخت، پرچین، درختچه و بوته های دائمی گل رز با اولویت معابر اصلی منطقه خبر داد و تصریح کرد: توسعه و نگهداری فضای سبز، نقش مهمی در ارتقای کیفیت زندگی شهروندان و زیباسازی سیمای شهری دارد.

برجسته نژاد تصریح کرد: رفع نواقص میلمان پارکی، اصلاح الگوی کاشت، هرس سبز درختان، مناسب سازی و ایمن سازی بوستان ها از دیگر اقدامات انجام شده در حوزه فضای سبز منطقه ۱۰ طی چهار ماه گذشته بوده است.



شهرداری منطقه ۱۰ طرح گسترده زیباسازی معابر و میادین را اجرا کرد

رنگ آمیزی

سیمای شهری با

گل های فصلی

۱۰

حاج محمد جعفری خانچه، پیرغلام امام حسین (ع)
سال‌ها با تسلط به متون و اشعار، نوحه خوانی کرده است

میراث‌دار آداب نوحه خوانی

سمیرا شاهیان پیرغلام درگزی را در مشهد به نام «ممد ترکه» می‌شناختند: آن زمان که در نوجوانی، خدمتش را به اهل بیت (ع) آغاز کرد. حاج محمد جعفری خانچه متولد ۱۳۲۹ است و حالا بعد از یک عمر روضه خوانی و نوکری، خودش و نوجوانانی که دورش را گرفته‌اند، پای درس قرآن نشسته‌اند. این نوحه خوان با سابقه که پدر شهید نیز هست، گرچه از چهار دهه پیش، ساکن قاسم‌آباد شده است، وقتی لب به سخن باز می‌کند، انگار صدای مشهد قدیم را از او می‌شنویم: صدای محفل عزاداری در خانه‌های داش‌های پایین خیابان، سوز نوحه‌هایی که از قلم شاعران مخلص بر کاغذ می‌نشست و صدای زنجیرهای سنگینی که از سراسر ادرات، مجلس عزارا پر شورتر می‌کرد.

مهاجرت به پایین خیابان

حاج محمد، قصه زندگی‌اش را از درگزی شروع می‌کند: جایی که فضای غیرمذهبی‌اش (در آن زمان و با توجه به فضای زیست او)، تاب روح معنوی پدرش را نداشت و آن‌ها را وادار به مهاجرت دائمی به مشهد کرد: پدرم در درگزی، کشاورز معروفی بود. یک روز یکی به او گفت اینجا نمان، هرچه زودتر جمع کن و برو. بعد از آن حرف، اقام زندگی را در پایین خیابان بساط کرد و فروخت تا به مشهد بیایم. سال ۱۳۴۰، سال هجرت آن‌ها به مشهد بود. محمد، پسر بچه‌ای که عاشق مشق نوشتن بود، در کوچه باغ حسن خان در محله پایین خیابان، کم‌کم در مسیر اصلی زندگی‌اش قرار گرفت. او می‌گوید: درس را آن قدر دوست داشتم که شبی یک دفتر ده برگ، مشق می‌نوشتم. وقتی هم که به مدرسه می‌رفتم، مشق بچه‌ها را می‌نوشتم، اما وقتی به مشهد آمدم، وضعیت زندگی پدرم از نظر مالی خیلی ضعیف شد. چون واقعا زندگی‌اش را حراج کرده بود تا به مشهد بیاید.

قصه خواب مادر

اما مهاجرت پدر، فقط جابه‌جایی مکانی نبود: انگار جابه‌جایی روحی بود به سمت عشقی که قرار بود همه زندگی حاج محمد را بسازد. داستان شروع نوحه خوانی‌اش، پیوندی بایک رؤیای صادقه دارد و بیان می‌کند: مادرم تعریف کرد زمانی که من را باردار بود، خوابی می‌بیند. وقتی برای پدرم تعریف می‌کند، جواب می‌شود که «خسته بودی که این خواب را دیدی». مادر حاج محمد به پاسخی که می‌شنود، اکتفا نمی‌کند و آن خواب در ذهنش ماندگار می‌شود. بعد از تولد فرزند، درست نشانه‌ای را می‌بیند که در خواب به او گفته شده: خالی روی بازوی راست نوزاد. همان نوزاد، تقریباً یازده ساله که می‌شود، مادرش پی خواب مهمش را می‌گیرد: «مادرم با گریه خوابش را برای حاج جعفر طباطبایی که همسایه مان بود، تعریف می‌کند. تعبیر خواب را این‌طور می‌شنود که پسر تو کر امام حسین (ع) می‌شود. برداشت مادرم این بود که من خادم امام رضا (ع) می‌شوم». در حالی که مادر محمد، دغدغه عاقبت به خیری فرزندش را در پی خواب سال‌های دور داشت، محمد باد و روبین عکاسی‌اش در هیئت‌ها و مجالس مذهبی محله حضور پررنگی داشته است.

خواندن نوحه‌های «سراج»

پانزده سالگی، سال ۱۳۴۴، محمد دیگر برای خودش کسی شده بود. حالا از گوی محمد نوجوان، صدای ارادت می‌درمی‌آمد که تعبیر خواب مادرش بود. او تعریف می‌کند: هیئت عاشقان گلستان علی (ع) راه‌انداز ختم. و یک سال بعد، در شانزده سالگی به سه هیئت بزرگ بجنورد هم می‌رفتم و هر شب نوحه خوان سه مجلس بودم. حاج محمد، از ریشه‌های نوحه‌اش می‌گوید و با احترام از شیخ علی اکبر ترکه و «سراج»، شاعر معروف کربلا، یاد می‌کند: کسانی که دست او را برای نوحه خوانی پُر می‌کردند: «در کوچه سرشور، یکی بود به اسم شیخ علی اکبر ترکه. او با قلم فرانسه، نوحه‌های سراج، شاعر کربلای می‌نوشت. هر نوحه را ۴ ریال می‌گرفت. سراج هم اصالتاً همدانی و کارش دوخت زمین اسب بود. به زبان فارسی و هندی و عربی وارد بود و نوحه می‌گفت». ادامه می‌دهد: کسی را می‌شناختم که سراج را از نزدیک دیده بود، یک دفتر صد برگ نوحه با خط او داشت و تعریف می‌کرد: سراج در لحظه نوحه می‌گفت و بخیه‌اش را هم می‌زد.



رسم «دیوانه زنجیر» مقابل پنجره فولاد

یکی از ماندگارترین خاطرات پیرغلام درگزی، اجرای «دیوانه زنجیر» است؛ سبکی که بنیان گذارش در مشهد و به زبان فارسی، خودش بوده. حاج محمد در حالی که چشمانش اشکی می شود، وقتی نوحه را می خواند، می گوید: در این سبک، رسم است نوحه خوان می گوید «حسین^(ع)، حسین^(ع)، حسین^(ع) وای»، بعد شور می گیرد که «خیمه ها را آتش زدند»، در این لحظه، چهار نفر با شدت و شور زیاد شروع به زنجیر زنی می کنند. این رسم، فقط بین درگزی ها مرسوم بوده است. نوحه این سبک به زبان ترکی است. من ابتدا آن را ترجمه و بعد در هیئت های مشهد اجرا کردم.

او اضافه می کند: این چهار زنجیر، خیلی سنگین و ضخیم هستند. رسم است زنجیرها را روی زمین می گذارند و وقتی نوحه خوان به «حسین^(ع) وای» رسید، چهار نفر از حلقه اول آن ها را برمی دارند و زنجیر می زنند. البته اول به سادات تعارف می کنند. شور این نوحه آن قدر زیاد است که جمعیت عزادار، به زور زنجیر را از افراد اولی می گیرند تا زنجیر زنان صدمه ای به خودشان نزنند. زنجیرها همین طور دست به دست می شود و به آخر هیئت می رسد.

این طور که حاج محمد تعریف می کند، در سال های قبل از جوانی، در برابر پنجره فولاد هم این سبک را در محرم برپا می کرده است. آنجاکه پس از هر «حسین^(ع)، حسین^(ع)»، خیمه های کربلا در ذهن عزاداران آتش می گرفت و زنجیرهای سنگین و ضخیم، ضرب آهنگ دل های سوخته می شد.

دل می خواست پدرم فقط داستان تعریف کند

هم به چراغ سازی می رفتم و روزی ۸ ریال می گرفتم. حاج محمد در زندگی اش یک اصل داشته است و می گوید: اصلاً از بچگی روی پول کار نکردم. مهارت داشتم، ولی دنبال پول نبودم. بعدها که خودم استادکار شدم و کارگاه چمدان سازی راه انداختم، به پدرم گفتم تو کار نکن. پدرم مغازه میوه فروشی داشت. گفتم نمی خواهد سر کار بروی، بیا در کارگاه برای من داستان تعریف کن.

حاج محمد سرانجام در سال ۱۳۵۷ استخدام سپاه می شود و محل کارش هم مرکز پشتیبانی منطقه ۴ در مشهد بوده است. در سال های خدمتش هم از مهارت های فنی اش کمک می گیرد و هر بار که به اوسفارش کاری می شود، با دقت و مهارت اجرا می کند.

از اینکه محمد نوجوان علاقه مند به درس و مشق بود، گفتم؛ ولی چه شد که دست از درس کشید؟ او به گذشته برمی گردد و به یاد می آورد: آن زمان درس تا بعد از ظهر بود. من که از پنج سالگی در درگزیه حلب سازی می رفتم، بعد ظهرها و سه ماه تعطیلی هم کارم را ادامه می دادم.

درسم خیلی خوب بود و از زبان و ریاضی جایزه گرفته بودم، ولی در مشهد دیگر داشت زندگی مان از هم می پاشید. کنار خانه مان یک چمدان سازی فلزی بود. رفتم دکان استاد و پرسیدم شاگرد نمی خواهید. او گفت فرصت آموزش ندارم. گفتم کمی بلام (به واسطه حلب سازی). چند تا کار به من سپرد و شاگردش شدم. آنجا روزی ۲ تومان می گرفتم. این مبلغ، زندگی ما را تکان داد. درآمدم از پدرم که روزی ۵ قران می گرفت، بیشتر شده بود. قبلاً

جلسه قرآن شکلاتی

شرکت می کردم. در یک ماه یاد گرفتم قرآن را با قرائت بخوانم. بعد از آنجا رفتم مسجد صاحب الزمان^(عج) که در هفته، دو جلسه قرآن داشتند. آنجا تجوید یاد می دادند. «باتوجه آن سال ها، حالا این پیرغلام هم نزدیک چهار دهه است که جلسه قرآن خانگی دارد. او کتابچه هایی تدوین کرده که به قواعد درست خواندن قرآن کمک می کند و حاصل دانسته هایش است.

پدر شهید جعفری می گوید: در نوجوانی من، کلمه مداح را فقط به چهار پنج نفر می گفتند و بقیه نوحه خوان بودند. من در هیئت سینه زنی قاسم بن الحسن^(ع) کارم را شروع کردم. جلسه هفتگی بود و در خانه های می چرخید.

اما حاج محمد، فقط اهل روضه و هیئت نیست. او را وی نسلی است که عشق به اهل بیت^(ع) را در کنار تربیت قرآنی نوجوانان آموخته است: «همان سال اول سکونت من در قاسم آباد، ۵۶ بچه کمتر از ۱۰ سال بودند که کلاس قرآن برای آن ها برگزار می کردم. شیوه کلاس، ساده و شیرین بود؛ به کسی که اشکال دیگری را می گرفت، یک شکلات می دادم. بچه ها هم فقط خط می بردند که من یک نفر را بگیرند.» یادگیری قرائت قرآن برای حاج محمد از سال ۱۳۴۶ و هیئت سینه زنی جواد الائمه^(ع) شروع شد؛ در کوچه چهنو، شب های چهارشنبه، هیئت مراسم داشت. از من هم دعوت می کردند تا بخوانم. همین هیئت، جلسه قرآنی داشت که من هر شب در آنجا

نوحه خوانی در خانه اردکانی

از «داش های پایین خیابان» می گوید: عباس قصاب، حاجی گلکار، غلامحسین پشمی و قاسم تبریزی؛ مردانی که هر کدام قصه ای داشتند. از اولین مداحان مشهد، سید علی هاشمی، اکبرزاده و حاجی گرمی یاد می کند (تا هراندازه ای که اسمی شان در یادش مانده اند) و از ارادت قلبی شان به امام حسین^(ع) می گوید: «حسن اردکانی بزرگ ترین هیئت مشهد را داشت. اول هیئتش در حرم بود و آخر هیئتش در پنجره پایین خیابان. اردکانی هیئتمان را شب عاشورا دعوت می کرد. به من هم نوحه می داد بخوانم. در پایین خیابان، کوچه ساربان ها یا حسن قلی خان، خانه بزرگی داشت. اردکانی من را که می دید، می گفت: بلبل حسین^(ع) جان آمدی؟ خوش آمدی!»

حرمت قائل شدن برای نوحه خوان

در میان همه خاطرات پر شور نوحه خوانی، داغ سنگینی هم بردل حاج محمد نشست است. او درباره پسرش می گوید: پسر شهید مهدی جعفری پاسدار رسمی بود و سال ۷۹ در بیست و سه سالگی به شهادت رسید. حاج محمد از نسلی است که حرمت زیادی برای نوحه قائل هستند. او با انتقاد از برخی مداحان که نام مبارک حسین^(ع) را کامل ادانی کنند، می گوید این کار بی احترامی است و من تا حالا این طور نوحه خوانی نکرده ام. او به یاد می آورد که «از اوایل دهه ۷۰ من تاریک خوان شدم. تاریک خوانی کار کسی است که به نوحه مسلط است و نیاز نیست از رو بخواند. بعد از آن هم دعای آخر مجلس است. خدا ما را آفریده برای یا... گفتن.»





راه تجربه

نوجوانان محله حجاب با تعمیر کولر همسایه‌ها، در مسیر خدمت جهادی گام برمی‌دارند

سایبانان کوچک در روزهای گرم محله



فهیمة شهری یکی جعبه ابزار در دست دارد. یکی چسب برق و گریس. پله‌ها را دوتا یکی بالا می‌روند تا خود را به پشت بام برسانند. سن و سال چندانی ندارند اما اشتیاق وافرشان برای کمک به همسایه‌ها موجب شده است که خیلی جدی پای کار باشند. نوجوانان مسجد حمزه سیدالشهدا^(ع) در محله حجاب این روزها آماده باش هستند تا هر جا لازم بود برای تعمیر و راه‌اندازی کولر بروند. از ابتدای تابستان آن‌ها به صورت جهادی پای کار هستند و همراه استادکارشان، به خانه همسایه‌هایی مراجعه می‌کنند که نیاز به راه‌اندازی کولر دارند. فعالیت در این گروه جهادی نقطه شروعی شده است تا تعدادی از اعضا، در قالب نیروی جهادی برای خدمت به شهرهای تهران و جنوب برون‌رو و به مردم جنگ‌زده آنجا کمک کنند.

● بسیج نوجوانان برای کمک‌رسانی

آغاز فصل گرما، جرقه‌ای شد برای یک خدمت‌رسانی. حجت‌الاسلام والمسلمین حامد قاضی‌نژاد، امام جماعت مسجد حمزه سیدالشهدا^(ع) که دغدغه کمک به همسایه‌ها و هم محله‌ای‌ها را دارد، تصمیم گرفت نوجوانان را بسیج کند برای راه‌اندازی کولر هم محله‌ای‌هایی که خودشان توان انجام این کار را ندارند.

در مسجد موضوع را مطرح کرد و تعدادی اعلام آمادگی کردند. استادکارها هم شدند بزرگ‌ترهایی که در امور برق سر رشته دارند و با تجربه‌اند. او تعریف می‌کند: بین همسایه‌ها و نمازگزاران، بازنشسته شرکت برق و آشنا به این امور را داشتیم. آن‌ها را به عنوان استادکار معرفی و نوجوانان را همراهشان کردیم تا در امور راه‌اندازی کولر کمک‌شان باشند.

او که دغدغه مهارت‌آموزی بچه‌های محل را دارد، می‌گوید: بچه‌های امروزی از زیر کار درو هستند و اگر هایشان کنیم، مدام پای گوشی می‌نشینند؛ این ما هستیم که باید بستر فعالیت‌های مختلف را برایشان فراهم کنیم.

به نظر او مشارکت دادن نوجوانان در راه‌اندازی کولر، موجب می‌شود ضمن کمک کردن به هم نوع، خودشان تجربه کسب کنند و مهارتی یاد بگیرند که به دردشان می‌خورد.

● از کوچه‌های مشهد تا مناطق جنگ‌زده

به گفته او این اقدام، زمینه ورود تعدادی از جوانان و هم محله‌ای‌ها به گروه‌های جهادی بزرگ‌تر فراهم کرده است و موجب شده برای کمک به مناطق جنگ‌زده بروند. حسین غفوری یکی از این افراد است. او امسال کنکور دارد، با این حال به تازگی از مناطق جنگ‌زده جنوب برگشته. او که حدود یک سال است وارد گروه‌های جهادی شده، تعریف می‌کند: ابتدا برای کمک کردن در موبک مسجد می‌رفتم و از آنجا با گروه‌های جهادی آشنا شدم.

حسین طی سال‌های گذشته در ایام تابستان و تعطیلات عید، کارهای تأسیسات ساختمان را انجام می‌داده. هدفش این بوده که کاری یاد بگیرد تا به دردش بخورد. کار راه‌اندازی کولر را پنج شش سال است که بلد است. در این مدت هم در این زمینه به اهالی کمک کرده است.

او می‌گوید: بعد از آتش بس، متوجه شدم گروهی جهادی می‌خواهند به جنوب بروند. با اینکه کنکور داشتم، دلم آرام نمی‌گرفت و عشق کمک به مردم جنگ‌زده کشورم باعث شد ساکم را ببندم و راهی شوم.

حسین آنجا علاوه بر راه‌اندازی کولر، کارهای تأسیسات ساختمانی را که بلد بود، انجام داده است و می‌گوید: اوایل که دنبال یادگیری کارهای تأسیسات ساختمانی رفتم، فکر می‌کردم به درد خودم و آینده‌ام می‌خورد اما حالا خیلی خوشحالم که می‌بینم توانسته‌ام به هم میهنانم و کشورم هم خدمت کنم.

● برکت یک دعا برای کل زندگی‌ات

حسین به خونگرمی مردم جنوب اشاره می‌کند و می‌گوید: شنیده بودم خونگرم هستند اما وقتی خودم از نزدیک کنارشان بودم، بیشتر درک کردم. با اینکه شرایط سختی داشتند از چیزی دریغ نمی‌کردند و همه جوهره‌های ما را داشتند.

او ادامه می‌دهد: حس خوبی را که از بودن در کنار مردم جنوب داشتم، نمی‌توانم وصف کنم. فقط می‌توانم بگویم این قدر خوب بود که توانستم یک هفته دوری از خانواده و گرمای هوای آنجا را تاب بیاورم. الان هم از پدرم خواسته‌ام او ضاع که آرام شد، یک سفر به آنجا برویم. به نظر حسین از لذت کمک به دیگران همین بس که آخرش ببینی طرف از ته دل به تو بگوید: «الهی خیر ببینی». به نظر او همین یک جمله برای کل زندگی آدم کفایت می‌کند.

محمد صالح قربانزاده، امیر محمد رضانی و مصطفی زارعی، سه تا از نوجوانان متوسطه دوم هستند که در کار تعمیر کولر کمک می‌کنند. محمد صالح می‌گوید: همین چند روز پیش، به خانه یکی از همسایه‌ها رفتم و کولرش را راه‌اندازی کردیم هر بار می‌بیند مان، تشکر می‌کند.

امیر محمد که کلاس هشتمی است، می‌گوید: من هنوز کار را به صورت حرفه‌ای بلد نیستم اما آنچه از دستم برمی‌آید، دوست دارم انجام دهم و کمکی به دیگران کنم.

به نظر خودش با این کار هم ثواب می‌برد هم خودش کار یاد می‌گیرد و تجربه کسب می‌کند.



● درسی برای دنیا و آخرت

مهدی فرخ‌نیا بازنشسته شرکت برق منطقه خراسان و از همسایه‌های نزدیک مسجد است. او می‌گوید: حاج آقا قاضی نژاد خیلی دنبال این هستند که برای امور مختلف، اول از همه از ظرفیت مردم محل استفاده شود و منافع هم هر چه هست، اول برای مردم محل باشد. از وقتی بحث ساخت و ساز مسجد مطرح شد، حاج آقا گفتند هر کس هر کاری می‌تواند انجام دهد بگوید: من هم که به امور برق آشنایی داشتم اعلام آمادگی کردم.

فرخ‌نیا هنگام راه‌اندازی کولرهای اهالی، به عنوان استادکار حضور دارد و نکات لازم را به نوجوانان یاد می‌دهد.

او می‌گوید: من خیلی دوست دارم نوجوانان بیشتری همراهم بیایند و کار را یاد بگیرند. نسل ما بعد از درس، راهی سربازی و کار می‌شود اما نسل فعلی این طور نیست. به نظر فرخ‌نیا، بچه‌ها در مدارس و به خصوص رشته‌های نظری، حرفه خاصی یاد نمی‌گیرند. در حالی که این طور چیزها حتی برای امور روزمره زندگی خودشان هم کاربرد دارد و باید بلد باشند.

● کمک‌رسانی با تکیه بر استعداد

او یاد دو نفر دیگر از بچه‌های محل می‌کند که دانشجوی دانشگاه منتظری هستند و می‌گوید: آن‌ها هم در زمینه سرویس کولر همکاری می‌کنند. الان که دانشجوی شده‌اند کارهای سیم‌پیچی و تعمیر موتور را هم یاد گرفته‌اند.

به نظر او وقتی بچه‌ها از سمت مسجد، به چنین کارهایی تشویق می‌شوند، علاوه بر حس نوع دوستی، استعداد هایشان کشف می‌شود.

بی‌بی سکینه یکی از هم محله‌ای‌هایی است که کولرش را درست کرده‌اند. همسرش سال‌هاست به رحمت خدا رفته. یک پسر دارد که در نیشابور زندگی می‌کند. او می‌گوید: خدا خیرشان دهد؛ اگر این‌ها نمی‌آمدند، الان کولرم قابل استفاده نبود. خدا عمرشان دهد. کار بزرگی کردند. هر بار در این گرما کولر را روشن می‌کنم، برای عاقبت به خیری‌شان دعا می‌کنم.

سکینه خانم می‌گوید: یک زمانی ما جوان بودیم و هر کاری می‌توانستیم، برای دیگران انجام می‌دادیم. حالا خدا این‌ها را سر راه ما گذاشته است. با هر دست بدی، با همان پس می‌گیری!

فعالان فرهنگی مسجد حضرت زهرا(س) درکنار سوگواری محرم و صفر، کارگاه آموزش ارتباط با نوجوان را دایر کرده‌اند

شور یادگیری در دل عزاداری

عیدگاه

فهیمة شهری | محرم و صفر برای فعالان فرهنگی مسجد حضرت زهرا(س) فقط ماه عزاداری نیست. آن‌ها تلاش می‌کنند درکنار عزاداری ها و مراسم مرسوم، علم و آگاهی نمازگزاران هم ارتقایابد. به همین دلیل در این ایام، جلسات متعدد خودشناسی، بصیرت‌افزایی، کتاب‌خوانی و... برگزار کرده‌اند. آن‌ها این بار با تمرکز بر نوجوانان، کارگاه آموزش ارتباط با نوجوان را برای مادران برپا کرده‌اند. این اولین بار است که چنین کارگاهی در محله زکریا برگزار می‌شود و استقبال خوبی از آن شده است.

● گوش‌های شنوا

بعد از اقامه نماز جماعت مغرب و عشا و برگزاری مراسم عزاداری سید و سالار شهیدان^(ع)، خیلی زود خانم‌ها برای شرکت در کارگاه آماده می‌شوند. به طور خودجوش صندلی‌ها را ردیف به ردیف می‌چینند و منتظر شروع صحبت خانم روان‌شناس می‌شوند. وصل شدن پروژکتور کمی زمان می‌برد، اما مادران با حوصله منتظر می‌مانند. بچه‌ها به آن طرف پرده هدایت می‌شوند تا کنار خادمان، سرگرم شوند و مادرها بتوانند با فراغ خاطر بیشتری از کارگاه استفاده کنند. هنوز جلسه شروع نشده، خانم میان‌سالی که بین شرکت‌کنندگان است، با صدای بلند برای بانیان این جلسه دعای خیر می‌کند. معتقد است نوجوانی دوران حساسی است و مادران به این آموزش‌ها احتیاج دارند. خانم روان‌شناس که شروع به صحبت می‌کند،

همه سراپا گوش هستند. وقتی از مشکلاتی همچون لج بازی‌ها و پرخاشگری‌های نوجوانان، سرکشی‌هایشان و گوش ندادن به حرف والدین صحبت می‌کند، سرشان را به نشانه تأیید تکان می‌دهند. هم‌زمان سؤالاتی می‌پرسند و گاهی از تجربه‌های شخصی‌شان تعریف می‌کنند. خیلی از حرف‌هایشان هم می‌ماند برای جلسات بعدی.

● پاسخی به نیاز مادرانه

آرزو رضایی یکی از شرکت‌کنندگان کارگاه است. یک دختر ده‌ساله دارد. گرچه اغلب اوقات ارتباط مادر و فرزند خوبی دارند، بعضی وقت‌ها هم چالش‌هایی بینشان پیش می‌آید که کنترلش سخت می‌شود. او علاقه مند است که محتوای این کارگاه را دنبال کند تا

بتواند این چالش‌ها را به حداقل برساند. فاطمه اسحاقی مادر چهل‌ساله‌ای است که چهار فرزند دارد. او تاکنون برای ارتقای دانش تربیتی خودش از دوره‌های مجازی استفاده می‌کرده است و می‌گوید: ندیده بودم که در محله خودمان چنین جلسه آموزشی‌ای به صورت حضوری برگزار شود. به نظر او این جلسات نیاز هر مادری است.

● جای خالی کلاس برای مادر بزرگ‌ها

فاطمه مهاجری مادر شصت‌ساله‌ای است که چون بچه‌هایش عروس و داماد شده‌اند، محتوای این جلسه چندان برایش کارایی ندارد؛ برای همین با حسرت می‌گوید: خیلی از مشکلاتی که الان به عنوان مشکلات والدین یا نوجوانان مطرح شد، ما هم با فرزندانمان داشتیم. منتها آن زمان کلاسی نبود که شرکت کنیم. خدا کند جوانان الان قدر بدانند و استفاده کنند.

او پیشنهاد دیگری دارد و می‌گوید: افراد هم‌سن و سال من برای چگونگی ارتباط برقرار کردن با عروس و داماد نیاز به آگاهی دارند.

به نظر او رفتارهای اشتباه و توقعات نادرست والدین یکی از دلایل طلاق‌ها و مشکلات فرزندان است. برای همین دوست دارد آگاهی‌اش در این زمینه بیشتر شود تا بتواند با رفتار درست، به بهبود زندگی فرزندان‌ش کمک کند. او از فعالان فرهنگی می‌خواهد این آموزش‌ها را هم مد نظر داشته باشند و برای افراد هم‌سن و سال او دوره‌های آموزشی برگزار کنند.



نوجوان مداح محله شریعتی امسال با پرچم ایران و عکس رهبر شهید عازم پیاده‌روی اربعین می‌شود

نوحه‌هایی برای جاده‌های کربلا

امید محله

درباره امام حسین^(ع) خواندم و او یک مشک آب را که روی آن نگین‌کاری شده است، به من هدیه داد. آن را نگه داشتم و ام و برایم ارزشمند است.

● فکر نمی‌کنی پیاده‌روی اربعین امسال متفاوت با سال‌های گذشته باشد؟

قطعاً. خودم با پرچم ایران و عکس رهبر شهید به پیاده‌روی می‌روم. می‌خواهم در مسیر پیاده‌روی فریاد خون‌خواهی سر دهم. البته درکنارش باید بیش از قبل قدر دان مردم عزیز عراق باشیم. آن‌ها برای تشییع رهبر شهید سنگ تمام گذاشتند و حالا ما باید قدر دانی‌مان را به آن‌ها نشان دهیم.

● درباره فعالیت‌های ورزشی‌ات بگو.

ورزش رزمی را در رشته جوجیتسو دنبال می‌کنم و کمربند زرد دارم. دو چرخه سواری را به صورت استقامتی و بیشتر در طبیعت گردی همراه دوستانم انجام می‌دهم.

● چقدر به حفظ طبیعت اهمیت می‌دهی؟

خیلی. نه تنها سعی می‌کنم خودم نکات لازم را رعایت کنم، وقتی می‌بینم در مسیر طبیعت زباله ریخته شده است، آن‌ها را جمع می‌کنم.

● شنیده‌ام کارهای جهادی هم انجام می‌دهی

بله. به عنوان مثال به روستای دولت آباد که رفته بودیم، طی دو سه روز بیش از هزار تادریخت کاشتیم اما غیر از طبیعت هم هرچالازم باشد، برای فعالیت‌های جهادی مراجعه می‌کنم. فرقی نمی‌کند چه عرصه‌ای؛ مهم این است که بی تفاوت نباشیم.

در عین حال به دنیا وابسته نبودند، همیشه در ذهنم هست و دوست دارم بتوانم خودم این‌گونه باشم.

● بین مداحی‌هایت کدام برای‌ت خاطره‌انگیز شده است؟

نوحه‌هایی که در مسیر پیاده‌روی اربعین می‌خوانم، خیلی برایم دل‌چسب‌تر از سایر مواقع است. همان نوحه‌ای که اینجا ممکن است بارها خوانده باشم، آنجا حس و حال دیگری دارد.

● خاطره‌ای از عراقی‌ها داری؟

یک بار که سوار ماشین عراقی‌ها شده بودیم، پدرم به راننده گفت من مداح هستم. او هم خواست نوحه‌ای برایش بخوانم. قطعه‌ای

● بین عرصه‌های مختلفی که فعالیت می‌کنی، کدام را بیشتر دوست داری؟

هر کدام خوبی‌ها و حال و هوایی دارد ولی مداحی برای اهل بیت^(ع) طور دیگری لذت بخش است.

● مداحی‌هایت بیشتر درباره کدام امام است؟

مداحی برای امام حسین^(ع) برنامه‌های بیشتری روضه‌هاست اما سعی می‌کنم از امام زمان^(عج) هم غافل نشوم و خیلی وقت‌ها درباره ایشان می‌خوانم.

● از سیره ائمه(ع) کدام یک را الگوی زندگی‌ات قرار داده‌ای؟

رفتار مهربانانه امام حسین^(ع) با خانواده‌شان و اینکه





○ مهیا نوکندی یکی از اعضای گروه دخترانه «نجوا» است. مهیا و چند نفر دیگر از این گروه، امسال به جمع گروه «رحل نی» اضافه شده‌اند. مهیا که نقش مادر حضرت علی اکبر (ع) را بازی می‌کند، می‌گوید: از ده سالگی دارم تئاتر کار می‌کنم. اجرا برای امام حسین (ع) همیشه حس و حال دیگری دارد.



○ سید مهدی اسدی مشاور کارگردان و بازیگر نقش امام حسین (ع) است. او تعریف می‌کند: سال گذشته در بین تماشاگران، یک خانم عراقی بود. با اینکه زبان ما را به طور کامل متوجه نمی‌شد، این قدر تحت تأثیر قرار گرفته بود که وسط اجرا به میدان آمد تا شمر را کتک بزند.

گروه نمایشی «اشک خاک» تعزیه را به خیابان شریعتی آوردند



آوای رحل نی

فهیمة شهری اگرچه نمایشی «اشک خاک»، در خیابان شریعتی ۴۷ به اجرای نمایش «رحل نی» درباره حوادث عاشورا پرداخت. عوامل و بازیگران این گروه جوان حدود چهل نفر هستند که با ذکر «یا حسین (ع)» روی صحنه رفتند و در سه شب اجرا توانستند توجه بیش از هشتصد تماشاگر را به خود جلب کنند. این گروه برای پنجمین سال پیاپی است که در ایام محرم و صفر به اجرای خیابانی می‌پردازد.



○ علی آقای اسلامی به اتفاق همسر و دو فرزندش مشغول تماشای تئاتر است. او که خودش یک دختر سه و نیم ساله دارد، می‌گوید: دیدن این اجراها گاهی بیشتر از روضه‌ها آدم را متأثر می‌کند.



○ ریحانه عباسی کوچک‌ترین بازیگر گروه است. او سه سال دارد و نقش حضرت رقیه (س) را بازی می‌کند. وقتی از دوباره نقشش می‌پرسیم، چندین بار با دست بر سرش می‌زند؛ می‌خواهد آوارگی رقیه (س) در خرابه‌های شام را نشان دهد.